



رمضان؛ ماه نزول قرآن / حکمت فضیلت بیشتر قرائت قرآن در رمضان

حکمت این که تلاوت قرآن در این ماه فضیلت بیشتری دارد محتمل بر این است که چون این ماه، ماه نزول قرآن است، هیچ زمانی برای قرائت قرآن و الهام گرفتن از علوم و معارف آن، از این ماه مناسب تر نیست.

حکمت این که تلاوت قرآن در این ماه فضیلت بیشتری دارد محتمل بر این است که چون این ماه، ماه نزول قرآن است، هیچ زمانی برای قرائت قرآن و الهام گرفتن از علوم و معارف آن، از این ماه مناسب تر نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «عالی ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان» اثر آیت الله صافی گلپایگانی است که در ادامه می خوانید؛

اشاره

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

بنابر تفسیر معتمد و مأخوذ از روایات و احادیث از آیه شریفه: «شَهْرُ رَمَضَانَ» نزول قرآن کریم در این ماه مبارک، مستفاد است. و احتمال این که مراد از جمله: «أُنْزِلَ فِيهِ...»، «أُنْزِلَ فِي صَوْمِهِ، او فِي قَرْضِ صَوْمِهِ» باشد، یعنی درباره روزه ماه رمضان یا وجوب آن، آیات قرآن نازل شده است، خلاف ظاهر و مرجوح است و تفسیر اوّل موافق با ظاهر است. از این رو، احتمال خلاف ظاهر، محتاج به حذف و تقدیر است. علاوه بر آن که بر حسب این احتمال، نزول قرآن در فرض روزه ماه رمضان، امتیاز خاصّ روزه نمی شود؛ زیرا واجبات دیگر مانند: نماز، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... نیز این امتیاز و شرافت را دارند که قرآن، در فرض آن ها نازل شده؛ علاوه بر این که بنا بر این احتمال، امتیاز نزول قرآن در فرض روزه، مربوط به روزه یا فرض آن می شود و مستقیماً و بالذات به روزه یا فرض روزه ارتباط دارد و ثانیاً و بالعَرَض و بالواسطه، به ماه رمضان مربوط می شود و این نیز، خلاف ظاهر است.

بنابر این آیه شریفه، بیان کرامت و شرافت ماه رمضان، به واسطه نزول قرآن مجید است و بلکه از این آیه، اختیار این ماه از میان ماه های دیگر برای همین شرافت و فضیلت- که قرآن در آن نازل شده است- استفاده می شود و شاید یکی از حکمت های روزه در این ماه، قیام به وظیفه شکر نعمت و به پاکردن سال گرد نزول قرآن و تجدید ارتباط با کتاب خدا و تعالیم و برنامه های قرآنی است تا مسلمانان همه ساله به مدّت یک ماه، سال گرد نزول کتاب مقدّس الهی را در ضمن انجام یک عبادت بزرگ، به نام «روزه» گرامی بدارند، و شکر خدا را به جای آورده و به قرائت و تأمل در معانی آیات الهی و استفاده از علوم و دانش های قرآن- که متضمّن سعادت دنیا و آخرت است- مشغول باشند.

حکمت این که تلاوت قرآن در این ماه فضیلت و ثواب بیشتری دارد نیز محتمل بر این است که چون این ماه، ماه نزول قرآن است، هیچ زمانی برای قرائت قرآن و الهام گرفتن از علوم و معارف آن، از این ماه مناسب تر نیست.

همان گونه که نبوّت محمّديه، نبوّت جاودان و پیامبری به سوی همگان است، قرآن مجید نیز کتاب جاودان و پاینده این نبوّت می باشد که برای جهانیان نور و دعوت پایدار به توحید، حق و عدالت، صلح و صفا، آزادی و مساوات، رحمت و هدایت، شفای بیماری های اجتماعی، اخلاقی و فکری، در مرور تمام ازمنه و اعصار است.

پس، برترین شرافت های این ماه، نزول قرآن و از برترین عبادات در آن، تلاوت و تفکر و تأمل در معانی و حقایق قرآن است.

این مسأله را که: «مراد از نزول قرآن چیست؟ و آیا مراد، نزول تمام قرآن یا مراد، آغاز نزول قرآن است؟» را، به دلیل آن که سخن به درازا می کشد فعلاً مطرح نمی کنیم و انشاءالله تعالی در مجالی دیگر، از آن بحث می نمایم.

پس از این که دانسته شد نزول قرآن در ماه مبارک رمضان بوده، برای تعیین آن که بدانیم این واقعه بی نظیر و عظیم در شب اُتفاق افتاده و یا در روز به وقوع پیوسته است، به خود قرآن مراجعه می کنیم.

برحسب اوّلین آیه سوره «قدر» و آیه سوّم سوره «دخان» نزول قرآن در «لیلۀ القدر» یا «لیلۀ المبارکۀ» واقع شده است.

و اما این که این شب، کدام یک از شب های ماه رمضان بوده است، بر حسب اخبار و روایات از یکی از شب های «نوزدهم» و «بیست و یکم» و «بیست و سوم» - که همان «شب قدر» است- بیرون نیست. که در ضمن فصل دیگر، مختصری از فضایل آن شب را تذکر می دهیم. (انشاء الله تعالی).

نکاتی که در این جا به طور اشاره یادآور می شویم، فضیلت قرآن و دیگر، معجزه بودن آن است:

۱. فضیلت قرآن

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که: شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرمود: زود باشد فتنه ها پدید شود! عرض کردم: ای رسول خدا! به چه چیز یا به چه راه از آن فتنه ها بیرون توان شد؟

فرمود: به کتاب خدا که خبر آن چه پیش از شما بوده و خبر آن چه بعد از شما و حکم آن چه بین شماست، در آن است؛ جدا کننده میان حق و باطل است و هزل و بازی و باطل نیست؛ هواهای مردم آن را منحرف نگرداند و دانایان از آن سیر نشوند و از تکرار قرائت و بسیاری تلاوت کهنه نگردد؛ و عجایب آن تمام نشود، و هر کس آن را از روی تجبر و تکبر، ترک کند خدا او را بشکند؛ و هر کس هدایت را در غیر آن طلب کند، حق تعالی او را گمراه سازد؛ ریسمان استوار خداست و صراط مستقیم است. هر کس به آن عمل کند، اجر یابد و هر کس به آن حکم کند، حکم به عدل کند و هرکس به سوی آن بخواند، به سوی راه مستقیم خوانده است.

در نهج البلاغه از حضرت علی، امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود:

وَأَعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِخُ الَّذِي لَا يَغْشَى، وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ، وَالْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يُكَذِّبُ، وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدٌ إِلَّا قَامَ عَنْهُ زِيَادَةٌ أَوْ نَقْصَانٌ، زِيَادَةٌ فِي هُدًى، وَنَقْصَانٌ مِنْ عَمَى، وَأَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ لِأَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقَةٍ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غِنًى قَاسَتْ شَوْهُهُ مِنْ ادْوَائِكُمْ وَاسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَدَائِكُمْ قَاتٍ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَهُوَ الْكُفْرُ وَالْيَقَاقُ وَالْعَيُّ وَالضَّلَالُ

بدانید این قرآن آن نصیحت کننده ای است که خیانت نمی کند و راهنمایی است که گمراه نمی سازد و محدثی است که دروغ نمی گوید. هیچ کس با این قرآن هم نشین نشد، مگر آن که از نزد آن، به زیادتى یا نقصان- زیادتى در هدایت و نقصان در کوری و گمراهی- برخاست. بدانید که هیچ کس را بعد از قرآن، نیاز و فقری نیست (بعد از نزول قرآن، به هیچ قانون و برنامه ای در اصلاح امور معاش و معاد و دنیا و آخرت نیازی نیست و هیچ کس را پیش از قرآن، بی نیازی نیست).

پس، برای دردهای خود از آن شفا بجوید و بر سختی ها از آن کمک و یاری بخواهید؛ زیرا در آن شفای بزرگ ترین دردهاست؛ و آن، درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی است.

۲. فضیلت قرائت قرآن

بر حسب روایتی که در کافی شریف آمده است قرائت قرآن، کفاره گناهان و پرده از آتش و امان از عذاب است و به قرائت هر آیه، ثواب صد شهید و به تلاوت هر سوره، ثواب پیغمبر مرسل نوشته می شود.

این فضیلت و فضایل دیگر که در سایر احادیث رسیده است، در ماه رمضان چندان زیاد می شود که بر حسب خطبه شریفه «رمضانیه»، قرائت یک آیه در این ماه، اجر ختم قرآن در ماه های دیگر را دارد.

قرآن شفای بیماری های روحی، هدایتگری در ضلالت و گمراهی، رحمتی از برای مؤمنین، و موعظه و پند و عهد خدا است. از این رو، باید مؤمنان با الفاظ و معانی آن، دل ها، زبان ها، خانه ها، بازارها، مدارس و اجتماع خود را روشن و منور سازند و از تلاوت آن غفلت نورزند.

۳. معجزه جاودان

هرچه بر عمر جهان بگذرد، اعجاز قرآن ظاهرتر و عظمت و بزرگی آن بیشتر نمودار می گردد.

قرآن یکصد و چهارده معجزه باقیه است و خداوند معجزه بودن هر یک از آن ها را به وسیله وحی الهی اعلام و از خواص و عوام دعوت فرموده است که:

وَأَنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا تَزُنَّا عَلَى عِبْدِنَا قَاتُوا يَسُورَ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و اگر در آن چه بر بنده خود نازل کردیم شک دارید، پس- اگر راست می گوئید- سوره ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را- به جز خدا- فرا خوانید.

چهارده قرن است که هزاران مرد برجسته و برترین نوابغ فنّ ادب و قهرمانان میدان سخن و خطابه و نظم و نثر از عرب و عجم، مسیحی و مسلمان و ملیت های دیگر، که نامشان در تاریخ به ثبت رسیده است، در صفحه تاریخ اعلام ادب عربی ظاهر شده، و این اعلان رسمی خداوند را در قرآن خوانده و شنیده اند؛ ولی هیچ یک از آنان نه در خود و نه در دیگران توانایی این کار را ندیده اند؛ و قرآن را مافوق کلمات بلغاء و فصحاى بشر یافته اند.

در بشر، غریزه ای به نام «حبّ شهرت و نام جویی» وجود دارد. هر کس می خواهد نام و آوازه اش جهان را فرا گیرد و نامش بر سر زبان ها باشد، و شهرتش از دیگران بیشتر شود و از هم ردیفان خود سبقت گیرد و شهرت و معروفیت بیشتری پیدا کند، می کوشد تا به گونه ای، برتری خود را به نمایش گذارد. تقوّ و پیشرفت بشر در صنعت و ادب و هنر را باید مدیون این غریزه دانست.

این غریزه را اعراب عصر پیغمبر صلی الله علیه وآله و دیگران از آن عصر تا زمان ما دارا بوده اند؛ و بازار مسابقات ادبی در بین اعراب دوران جاهلیت و معاصر پیغمبر صلی الله علیه وآله گرم بوده است؛ و افتخار و اشتهاى، بیش تر نصیب کسی بود که زیباترین قصیده را سروده و یا خطبه ای جذّاب بیان کرده و بر شهرت خود و قوم و قبیله اش افزوده باشد.

پس چگونه شد که از آن زمان تا حال کسی در مقام معارضه با قرآن برنیامد؟ و چرا هزاران تن از نوابغ جهان ادب و بلاغت، به طور فردی یا جمعی در اندیشه چنین کسب شهرت و بلند نامی برنیامدند؟

چرا تا حال که نزدیک به چهارده قرن است که از نزول آخرین کتاب الهی می گذرد هم چنان فریاد قرآن و ندای آسمانی «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» در جهان بلند است؟

چرا با وجود آن که برخی در مقام مبارزه با اسلام و کارشکنی و جلوگیری از پیشرفت آن به هر اقدام ممکن و خطرناک، به جنگ و خون ریزی، نیرنگ های سیاسی، فتنه و آشوب گری و ... دست زده اند، اما از نیروی ادب و بیان و از تلفیق حروف و الفاظ و کلمات- که بعد از نیروی تفکر آسان ترین اعمال بشر است- استفاده نکرده اند و حجت قرآن، برهان و معجزه باقیه اسلام را باطل نساختند؟!

پاسخ روشن است: چون از همان آغاز کار، کلام خدا را بر فراز آسمان و کلمات فصّاح و بُلغای نامی را بر زمین و از آن هم فروتر دیدند و دانستند که بنده عاجز و مخلوق محتاج، نمی تواند با خدای توانا و خالق بزرگ جهان معارضه کند!

حقیقت شگفت انگیز است: پیامبر ارجمند اسلام برای این که هیچ گونه برخوردی میان او و کفّار واقع نشود، عذری برای آن ها باقی نماند، قطره خونی از کسی نریزد و آتش جنگ و نبرد روشن نشود، به مردم مگه و به تمام فصّاح و بُلغا و به جمیع جنّ و انس، حاضر و غایب، اعمّ از معاصران و آیندگان ابلاغ کرد که اگر همه، اجتماع کنند و به پشتیبانی هم در آیند، نمی توانند مانند این قرآن را بیاورند.

چرا با این که امّرای کلام و قهرمانان صحنه سخنوری، شاهد و ناظر چنین ابلاغی بودند، در این میدان وارد نشدند و به شمشیر متوسّل گردیدند؟!

آری، آنان می دانستند که شرکت در این مسابقه، جز رسوایی و شکست نتیجه ای نخواهد داشت.

رُدَّتْ بَلَاعَتُهَا دَعَوَى مُعَارَضِهَا رَدَّ الْغُيُورِ يَدَ الْجَانِي عَنِ الْحَرَمِ

دَامَتْ لِدُنْيَا فِفَاقَتْ كُلَّ مُعْجِزَةٍ مِنَ التَّيِّينِ إِذْ جَاءَتْ وَلَمْ تَدُمِ

ناتوانی و عجز بشر از آوردن کلامی مثل قرآن، اکنون چنان تثبیت و پابرجا شده که مخالفان و دشمنان اسلام با شدت مخالفت و با تمام اهتمامی که در دشمنی و جلوگیری از تحقق مقاصد اسلام دارند، از معارضه با قرآن مأیوس و نا امید گردیده اند و اگر قدرت های نیرومند استعماری و تبشیری مسیحی و یهودی و ... این کار را امکان پذیر می دانستند، بدان اقدام می کردند. کسانی که با قدرت سیاسی و مادی خود، مسلمانان را تحت فشار گذارده، از اجرای احکام اسلام جلوگیری کرده و از هیچ چیز مانند: قیام مسلمین و به پا خاستن پرچم وحدت اسلامی و توحید، هراسناک نیستند؛ اگر می توانستند از این راه با اسلام مبارزه می کردند و این راه را که در جهان معاصر مؤثرتر و آسان تر است بر می گزیدند؛ اما همه دانشمندان، سخن شناسان، اساتید و ادبای عرب زبان شرقی و غربی اتفاق دارند که این معارضه به جایی نمی رسد و جز تثبیت بیشتر اعجاز قرآن و تأیید خبر غیبی «قَالَ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَكِنْ تَفْعَلُوا» ثمری ندارد.

قصد ما این نیست که در این مجال، از اعجاز قرآن سخن بگوییم. اساتید و مشاهیر علوم ادب درباره اعجاز قرآن کتاب ها نوشته اند و این بحثی است که روز به روز دامنه آن وسیع تر می شود و هر کدام از رشته ها و نواحی متعدده آن محتاج به کتابی ویژه است. وجوه اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت نیست؛ بلکه قرآن از نواحی مختلف مانند: فصاحت و بلاغت، اسلوب، اخبار غیبی، جذبات روحی، جامعیت تعالیم و کامل بودن احکام و قوانین، بیان معارف و الهیات و علوم ماورای طبیعت، و ... معجزه می باشد.

قرآن، کتاب حکمت، شریعت و قانون، اخلاق، توحید و خداشناسی، تاریخ و عبرت است و اصول علوم زیست شناسی، بهداشت، اقتصاد، زراعت، نجوم و حقوق مدنی، جامعه شناسی، روان شناسی و ... در آن درج است.

اقبال پاکستانی چه نیک و زیبا سروده است که:

نقش قرآن چون در این عالم نشست نقش های کاهن و پاپا شکست

فاش گویم آن چه در دل مضمّر است این کتابی نیست چیز دیگر است

چون به جان در رفت، جان دیگر شود جان که دیگر شد، جهان دیگر شود